

# تاریخ‌نویسی شاهزادگان قاجاری نمونه‌ای از نسب‌نامه ایل قاجار، نمونه‌ای از تاریخ‌نویسی

سیما سالور<sup>۱</sup>

درآمد:

تاریخ‌نویسی ایران در دوره قاجار، در مقایسه با سایر ادوار تاریخ ایران، بسی بیشتر از سایر دوره‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در این دوران مورخان متعددی به تألیف آثار تاریخی گوناگون پرداخته‌اند: محمدتقی ساروی، میرزا محمدتقی مستوفی تبریزی، عبدالرزاق بیگ دنبلی، محمدصادق وقایع‌نگار مروزی، خاوری شیرازی، محمدابراهیم بدایع‌نگار، محمدجعفر حقایق‌نگار خورموجی و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه از جمله مشهورترین مورخان رسمی دوره قاجار بوده‌اند. در کنار این دسته از مورخان که بیشتر آنان، مقام و منصب منشی‌گری و دبیری در دیوانهای عصر قاجار داشته‌اند، تعدادی از شاهزادگان قاجاری نیز به تألیف آثار تاریخی پرداخته‌اند. محمود میرزا، محمدقلی میرزای ملک‌آرا، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، امامقلی میرزا، جهانگیر میرزا، بهمن میرزا، نادر میرزا، فرهاد میرزا و ظل‌السلطان از جمله این دسته شاهزادگان محسوب می‌شوند.

در نقد و بررسی مشخصات تاریخ‌نویسی مورخان رسمی عصر قاجار، مقالات گوناگونی به شکل تک‌نگاری نوشته شده است اما تاکنون درباره ویژگی، سبک و سیاق، مضمون و محتوای آثار تاریخی شاهزادگان قاجار، پژوهش مستقلی صورت پذیرفته است. نوشته حاضر کوششی است برای بررسی یکی از آثار تاریخی شاهزادگان قاجاری به نام امامقلی میرزا که فاقد عنوان رسمی است، اما بر اساس محتوای اثر و

۱. دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران.

اشاره مرتضی قاجار، کاتب نسخه در انتهای آن و با توجه به اینکه بخش عمده آن گفتگو از نسب و حسب قاجاریه است، به این نام مشهور است.

### معرفی نویسنده:

امامقلی میرزا پسر بدیع‌الزمان میرزا و نواده محمدقلی میرزا ملک‌آرا است او در میان شاهزادگان قاجاری مشهور نیست و حتی می‌توان گفت که گمنام است؛ زیرا ظاهراً در هیچ‌کدام از منابع تاریخی عصر قاجار شرح حال و نام و نشانی از او وجود ندارد. برادر او نادر میرزا، مؤلف تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز از وجود برادری سخن می‌گوید که همراه او و خواهرش پس از برافتادن قدرت و حکومت ملک‌آرای طبرستان و پدرش صاحب اختیار استرآباد و دشت ترکمانان روانه تبریز شدند و در آنجا اقامت و سکنی گزیدند.<sup>۱</sup> اما عجیب است که در سراسر کتابش از امامقلی میرزا نام نمی‌برد.

به نوشته نادر میرزا، او و امامقلی میرزا در سال ۱۲۵۲، پس از درگذشت مادرشان در طبرستان، به همراه پدرش، بدیع‌الزمان میرزا ملقب به اسپهبد که قبلاً کمی بعد از جلوس محمد شاه به سلطنت، همراه با تعدادی دیگر از شاهزادگان قاجار که معروف‌ترین آنان جهانگیر میرزا بود،<sup>۲</sup> به اتهام توطئه علیه شاه تازه در اردبیل محبوس شده بودند،<sup>۳</sup> در این سال به تبریز انتقال یافته بود با کسب اجازه از محمد شاه روانه تبریز شده و از این زمان به بعد در آن شهر سکونت گزیدند.

خاوری شیرازی در انتهای کتاب خود که به معرفی فرزندان و نوادگان فتحعلی شاه پرداخته و به اختصار درباره بدیع‌الزمان میرزا مطالبی آورده است؛ اما او نیز از امامقلی میرزا و برادر بزرگترش نادر میرزا سخنی نمی‌گفت:

«نواب بدیع‌الزمان الملقب به صاحب اختیار از بطن یکی از مخدرات شاه‌افشار و در دارالایمان استرآباد و دشت ترکمان پیوسته حکم گزار بود. الحاق در دشت گرگان شیری و در نبرد دلیران توران دلیری چون او به عرصه وجود نیامده و در مدت صاحب اختیاری هرگز مغلوب ترکمانان کافر کیش نشده کیفیت احوالش در اصل تاریخ ایراد گشته و صیت مردانگی او در آن صفحات از صفحه توران در گذشته است. بعد

۱. نادر میرزا، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، مقدمه و تصحیح و تحشیه: غلامرضا مجد طباطبایی، تبریز، انتشارات ستوده، ۱۳۷۳، ص ۳۸۰.

۲. جهانگیر میرزا این امر را زائیده دشمنی قائم‌مقام با خودش دانسته است. جهانگیر میرزا، تاریخ نو، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران علمی، ۱۳۲۷، ص ۱۹۸.

۳. خاوری شیرازی نوشته است که: «شاهزادگان دیگر از قبیل نواب شیخ‌الملوک شیخ علی میرزا و حشمت‌الدوله محمدحسین میرزا به عزیمت جمعی از هوا خواهان از ملایر و کرمانشاهان آوردند و با برخی دیگر از قبیل ظل‌السلطان علیشاه و رکن‌الدوله علینقی میرزا و امام وردی میرزای ایلخانی و حسام‌السلطنه محمدتقی میرزا و محمود میرزا و امیرزاده استرآباد و مازندران بدیع‌الزمان میرزا روانه دارالارشاد اردبیل کردند» تاریخ ذوالقرنین، جلد دوم، ص ۹۳۸.

از وفات خاقان مغفور با برخی از اعمام و بنی اعمام در اردبیل و تبریز متدرجا محبوس است و در محبوسی با محبوسان مانوس<sup>۱</sup>.

بعید نیست که یکی از مهمترین دلایل گمنامی امامقلی میرزا، همان سوء سابقه پدر، به دلیل سرکشی علیه محمد شاه قاجار باشد.

اگر با نگاه نادر میرزا به امامقلی میرزا بنگریم، باید بگوییم که این پسر کوچک بدیع الزمان میرزا به خلاف برادرش اهل اندیشه و کسب دانش و علوم روزگار خود نبوده است. نادر میرزا نوشته است که در دوره فتحعلی‌شاه، یعنی زمانی که هنوز پدرش بدیع‌الزمان میرزا و جدش ملک آرا قدرت و اعتبار داشتند، او و برادرش در تهران معلمی به نام غلامرضا داشتند که به آنان خط و زبان پارسی می‌آموخت. نادر میرزا ادامه داده است که پس از انتقال از استراباد به تبریز معلمی به نام ملامحمدتقی برایشان تعیین شد که:

«هیچ چیز ندانستی، نه پارسی، نه تازی. او مرثیه خوانی بود ترک زبان». بنابراین اسپهبد پدرم «دبستان من و برادرم جای دیگر کرد...»<sup>۲</sup>

نادر میرزا در ادامه به شرح علاقه وافرش به آموختن و به صورت غیر مستقیم از عدم علاقه امامقلی میرزا به کسب دانش سخن گفته و این طور نوشته است: «چون انسان را سلق متفاوت است و ماده قوایل را یکسان نیست، من و برادرم را ذوق یکسان نبود.»<sup>۳</sup>

مهمترین خبر مستند درباره امامقلی میرزا که در آن به نام و نشان و نسبت برادری او با نادر میرزا اشاره می‌کند، مطلبی است که کاتب تنها نسخه نسب‌نامه امامقلی میرزا درباره وی نوشته است. او آورده است که امامقلی میرزا پس از تهیه متن اولیه و دست نوشته خود، آن را به کاتب یا مرتضی قاجار که پسر عموی نویسنده بوده، سپرد و از او خواست تا به کتابت و تحریر اثر او بپردازد.

برخلاف نادر میرزا، مرتضی قاجار که مسئولیت کتابت نسب‌نامه ایل قاجار را پذیرفته و دست نوشته‌ها یا مسوده‌های امامقلی میرزا را کتابت کرده، وی را مردی صاحب فضل و دانش معرفی کرده است. نوشته او امامقلی میرزا را به طور کامل معرفی می‌کند.

«مخفی نماند که مورخ این کتاب نواب امامقلی میرزا، ولد بدیع الزمان میرزای ملقب به صاحب اختیار ولد محمدقلی میرزا المقلب به ملک آرا ولد خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه مغفور طاب ثراه می باشد. و نواب مورخ شاهزاده باسواد باکمال و حسن خلق را با سایر صفات مرضیه جمع داشت و در حقیقت در میان شاهزادگان آذربایجان فرد و از هر جهت تمام بودند و با این کاتب خاکسار مرتضی قاجار، گذشته از سمت عم زادگی، یک نوع برادری و محبت و رفاقت مخصوص داشتند که مخصوص خودشان بود، ربطی به سایرین نداشت. در محرم یک‌هزار و دویست و نود و هشت به این فقیر فرمودند که من کتابی در احوالات

۱. میرزا فضل‌الله شیرازی (متخلص به خاوری)، تاریخ ذوالقرنین، جلد دوم رساله صاحبقرانیه، تصحیح ناصر افشارفر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز شورای اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۰۸۰.

۲. نادر میرزا، همان، ص ۳۸۱.

۳. نادر میرزا، همان، ص ۳۸۴-۳۸۱.

قاجاریه تألیف کرده و هنوز مسوده است، اگر به کاتب خارج بدهم، لابد غلط و بی‌ربط نموده، کتاب را ضایع خواهند نمود. این بنده در کمال امتنان، قبول و متعهد شد که اگر عمر باشد کتاب را حتی المقدور با سعی، تمام نماید. نواب معظم‌الیه نسخه راجزء جزء فرستاد، این فقیر هم نوشته، ارسال می‌داشت تا عید سلطانی نوروز همین سال که عبارت از یوم یکشنبه ۱۹ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۸ می‌باشد، رسید. مردم مشغول دید و بازدید و تبریک عید گردیدند. این حقیر هم دویم روز عید به تبریک نواب والا نادر میرزا که برادر مهتر نواب مورخ بودند، شرفیاب شده که بعد خدمت نواب مورخ معظم‌الیه رسیده باشد. بعد از رسیدن خدمت نواب والا نادر میرزا و تشریفات عید را به عمل آوردن، فراش آمده مذکور داشت که نواب نادر میرزا را جناب صدیق الدوله که عبارت از میرزا رضا که در همین سال تازه مأمور پیشکاری و عمل مالیات آذربایجان بودند، احضار نموده است. نواب معظم‌الیه وقت رفتن به عبدالوهاب ملازم خود فرمودند که سپرده بودم که امامقلی میرزا به جهت آمد و رفت مردم، چون من در منزل کمتر هستم آمده، از عوض من مردم را پذیرایی نمایند چرا نیامده‌اند؟ عبدالوهاب گفت امروز مختصر دردی عارض امامقلی میرزا شده بود، بحمدالله رفع گشته می‌شود. کسالت او را داشته نیامده‌اند، خواهند آمد. نواب نادر میرزا روانه منزل جناب صدیق الدوله شده، این بنده هم قرار دیدار نواب امامقلی میرزا را به جهت اینکه گفتند امروز مختصر نقاهت داشت، به فردا گزارده، به منزل مراجعت کردم. صبح زود که از خواب برخاستم، خبر آوردند که امامقلی میرزا مرحوم شده. چه گویم و چه نویسم که بر من از این خبر ناگوار چه رسید. خدایم شاهد حال و مقال است اگر بخواهم حالت اوقات تلخی خود را تحریر کنم، لیکن تملق و دراز نویسی شود. باری در کمال حیرت و افسوس «نالله و انالیه راجعون» گفته، معلوم شد که شب شش ساعت گذشته به مختصر دل درد، روح پاکش به جانب جنان خرامیده است. رحمة الله علیه. شب چهارشنبه ۲۲ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۸ بدرود جهان نمودند.

جهان ای برادر نماند به کس / دل اندر جهان آفرین بند و بس  
همین منزل است این جهان خراب / که دیداست ایوان افراسیاب

العبد مرتضی قاجار «رب اغفر وارحم و تجاوز عَمَاتعلم انک انت الاعز الاجل الاکرم»<sup>۱</sup>  
اگر بخواهیم میان دو روایت متفاوت درباره میزان علم و دانش و ذوق امامقلی میرزا دوری کنیم، مقایسه متن نوشته‌های دو پسر بدیع الزمان میرزا راهگشاست و نشان می‌دهد که مرتبه فضل و علم یا حداقل ادبیات و نثر نادر میرزا بسیار بالاتر از امامقلی میرزا است. در این باره در مطالعه تطبیقی نسب‌نامه ایل قاجار بیشتر توضیح خواهیم داد.

۱. امام قلی میرزا، نسب‌نامه ایل قاجار، خطی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۸۴-۳۸۳.

## نگاهی به مشخصات نسخه زمان تألیف نسخه:

نویسنده در سراسر متن کتاب خود اشاره‌ای صریح به زمان تألیف کتاب خود ندارد؛ اما از طریق اطلاعات مختصری که مرتضی قاجار درباره او در آخر نسخه آورده است، می‌دانیم که امامقلی میرزا در تبریز و میان جمع شاهزادگان این شهر زندگی می‌کرده<sup>۱</sup> و دست‌نویس کتاب خود را در محرم ۱۲۹۸ به پایان برده و برای کتابت به دست عم زاده خود مرتضی قاجار سپرده است. این کاتب نیز کتاب را قسمت به قسمت کتابت کرده و برای مؤلف ارسال می‌داشته است. به موجب همین نوشته، جریان تألیف کتابت تا درگذشت امامقلی میرزا که در تاریخ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ ادامه داشته است.<sup>۲</sup> چون مرتضی قاجار از ناتمام بودن نسخه دست نویس سخنی به میان نیاورده بنابراین می‌توان گفت که تمام متن دست‌نویس مؤلف، توسط وی کتابت شده و تاریخ پایان آن نیز یکشنبه ۳ جمادی الاول ۱۲۹۸ در شهر تبریز بوده است.

## فصول و مباحث نسب‌نامه ایل قاجار

نسب‌نامه ایل قاجار فصل‌بندی منظم و مشخصی ندارد اما می‌توان موضوعات موجود در آن که گاه به صورت موضوعات تاریخی و گاه به شکل سال‌شمار آمده را، به شکل زیر ارائه کرد: این فهرست که از عناوین اصلی و فرعی متن نسخه تهیه شده، محتوای تمام مباحث نسب‌نامه ایل قاجار را نشان می‌دهد و برای بررسی‌های بعدی این اثر مفید و ضروری است و البته به همین منظور استخراج شده است:

طلوع ایل جلیل قاجار نقل از تاریخ مآثر السلطانی ص ۲

شرح منقول از تحفه ناصری که از اکسیر التواریخ نقل نموده ص ۸

شرح منقول از شمایل خاقان... ۲۵

ذکر اولاد اغوز خان و احفاد ایشان... ۳۹

ذکر فرزندان اغوز... ۴۷

فرزندان امی خان که دویم پسر ارغون خان است چهار نفرند... ۵۳

فرزندان کوچک خان که چهارم پسر اغوز است... ۶۴

محاربه سردار قاجار با رومیان ارزنة‌الروم و فتح آن ولایت... ۲۰۵

ذکر مقدمات شر و شور دولت علیه ایران و مجادله با دولت بهیبه روس... ۲۶۸

ذکر مختصری از احوال دولت روس بر سبیل ایجاز... ۲۸۴

وقایع سنه هزار و دویست و چهل و یک هجری... ۲۹۱

۱. کاتب در آخر نسخه درخصوص مؤلف اشاراتی دارد از جمله این که: چند روز قبل از مرگ مؤلف مرتضی قاجار در تبریز برای بازدید عیدنوروز قصد دیدار وی را داشته که به علت کسالت ممکن نشد. نسب‌نامه ایل قاجار خطی، صص ۳۸۵-۳۸۶.

۲. امامقلی میرزا، همان، ص ۳۵۸.

- ذکر قلعه شوشی و وقایع ایام تحصّن روسیه و غیره و غیره : ۲۹۹...  
 وقایع سنه هزار و دویست و چهل و دو شکست اردوی امیرخان و قتل او ۳۰۳...  
 ذکر شکست لشکر ایران و شهادت امیرخان ۳۰۴...  
 ذکر محاربه گنجه ۳۰۵...  
 ذکر مصاف نایب‌السلطنه با جنرال پس قویچ در مقبره شیخ نظامی علیه‌الرحمه و شکست لشکر ایران و گذشتن از رود ارس ۳۰۷...  
 ذکر احوال شیخ علی میرزا و لشکری که آن طرف رود کر بودند ۳۰۹...  
 ذکر آمدن لشکر روس بر سر قلعه ایروان بار اول ۳۱۲...  
 ذکر جنگ نایب‌السلطنه با سواره قزاق ۳۱۶...  
 ذکر گرفتن روسیه قلعه عباس آباد و غیره را و گرفتاری مستحفظین و محمدامین خان قاجار ۳۱۹...  
 ذکر مراجعت خاقان به دارالخلافه طهران و گزارشات مناسب آن اوان ۳۲۰...  
 ذکر آمدن ینارال آرسطوف به تحریک مردیان و سایر نزدیکان آذربایجان و گرفتاری اصف الدوله الله یار خان قاجار ۳۲۲...  
 ذکر فتح نمودن روسیه قلعه ایروان را و خرابی دولت علیه ایران ۳۲۵...  
 ذکر حالات نایب‌السلطنه و اردوی قریه شندآباد اروتق ۳۲۵...  
 ذکر ورود نایب‌السلطنه به تبریز و احوالات اهالی آن خطه ۳۲۹...  
 ذکر وقایع بعد از مصالحه و آرامش ملت ایران ۳۳۱...  
 ذکر قتل سفیر روس میرزا گریبایدوف ۳۳۱...  
 ذکر رفتن خسرو میرزا به عنوان عذرخواهی به روسیه ۳۳۴...  
 ذکر سفرخاقان خلد آشیان به طرف فارس و برخورد و ممالک عراق ۳۳۵...  
 ذکر واقعه عجیب و نبرد شاهزادگان عراق ۳۳۸...  
 ذکر استقلال عبدالرزاق خان و وقایع سنه هزار و دویست و چهل و شش هجری و بعد ۳۵۰...  
 ذکر نظم خراسان و رفتن نایب‌السلطنه به آن سامان ۳۵۲...  
 ذکر مأموریت نایب‌السلطنه به خراسان و مرخص شدن از خدمت خاقان ۳۵۴...  
 ذکر کیفیات کرمان و یزد در غیاب نایب‌السلطنه ۳۵۶...  
 ذکر ورود نایب‌السلطنه به خراسان و گرفتن قلعه سلطان میدان ۳۵۷...  
 ذکر فتح امیرآباد و قوچان ۳۵۸...  
 ذکر احوال کرمان و یزد و عراق ۳۶۳...  
 ذکر تتمه امورخراسان ۳۶۴...  
 ذکر وقایع سنه یک‌هزار و دویست و چهل و نه ۳۶۶...  
 ذکر وقایع خراسان و رفتن نایب‌السلطنه از طهران به آن سامان ۳۶۸...

وفات نایب السلطنه... ۳۶۹۰۰

ذکر وفات خاقان خلد آشیان... ۳۷۵۰۰

### مشخصات ظاهری نسخه

تا جایی که در فهرستهای نسخ خطی جستجو شده است نسخه کتابخانه ملی نسب‌نامه امامقلی میرزا، یگانه نسخه موجود و منحصر به فرد از نوشته امامقلی میرزا است. شاید تکراری بودن بسیاری از بخش‌های نوشته و اخذ فصول مختلفی از آن از آثار مورخان دیگر و کم‌اعتباری این شاهزاده قاجار در عصر ناصری باعث شده تا کاتبان و بنیان‌کنان کتابت علاقه‌ای به کتابت متعدد از این نسخه نشان ندهند.

مشخصات ظاهری آن به شرح زیر است:

شماره بازیابی: ۵-۱۰۹۱۴

شماره‌های شناسایی دیگر: ۹۱۴ ف

عنوان و نام پدیدآور: امامقلی قاجار بن بدیع الزمان میرزای (ملقب به صاحب اختیار) ابن محمد قلی میرزا (ملقب به ملک‌را) ابن فتحعلیشاه قاجار.

مشخصات ظاهری: ۱۹۳ برگ، ۱۴ سطر کامل، اندازه سطور ۵۵ + ۱۴۰، قطع ۱۴۰ + ۲۱۰، آغاز: بسمله، حمداً کثیراً مبارکاً فیه توتی‌الملک من تشاء وتنزع‌الملک ممن تشاء.

انجام: همین منزل است این جهان خراب/ که دیده است ایوان افراسیاب.

انجامه: بتاريخ يوم یکشنبه سوم جمادی‌الاول ۱۲۹۸ در دارلسلطنه تبریز شد تحریر شد العبد مرتضی قاجار.

زبان و تاریخ تألیف: فارسی، ۱۲۹۸ هجری قمری

نوع و درجه خط: شکسته نستعلیق

نوع کاغذ: فرنگی، آبی

تزئینات متن: سرفصلها با مرکب قرمز

نوع و تزئینات جلد: تیماج قرمز، مقوایی

### نسب‌نامه ایل قاجار، سرچشمه‌های محتوا و شیوه ارائه اطلاعات

اکنون با معرفی کلی عمده‌ترین آثار شاهزادگان قاجار در زمینه‌های مختلف، می‌توانیم با مطالعه تطبیقی نسب‌نامه ایل قاجار، اختلافات و شباهت‌های تاریخ‌نویسی و سبک و سیاق امامقلی میرزا را در ارائه اطلاعات و گزارشها در مقایسه با نوشته‌های دیگر شاهزادگان مورد بحث قرار دهیم؛ پیش از آن لازم است گزارشی بیابوریم هر چند کوتاه از محتوای بخش‌ها و عناوین نسب‌نامه تا امکان مقایسه آن با سایر تألیفات میسر گردد:

نسب‌نامه ایل قاجار شامل بخش‌های عمده زیر است:

بخش اول آن در خصوص نسب‌نامه ایل قاجار است. نویسنده همانند بسیاری دیگر اعتقاد دارد که

قاجاریه از فرزندان اغوزخان منشعب شده است و سرچشمه آنان به مغولان می‌رسد وی این بخش از اثر خود را برای نشان دادن همین باور تنظیم کرده است. نوشته‌های او در همین قسمت بر اساس سه کتاب تحفه ناصری، مآثرالسلطانیه و شمایل خاقان تنظیم شده است. دقت در گزارش‌های این قسمت از نوشته امامقلی میرزا نشان می‌دهد که او با وجود ذکر این سه کتاب به عنوان منبع، با استفاده از سه کتاب بالا بیشتر مطالب را از مآثرالسلطانیه عبدالرزاق دنبلی، اخذ کرده است.

قابل ذکر است که امامقلی میرزا ذیل گزارش نسب قاجار، به بیان نسب ترکمانان و برخی از قبایل قزلباش نیز پرداخته و برای نشان دادن اهمیت موقعیت قاجارها به آوردن گزارش‌هایی از محاربه سردار قاجار با رومیان ارزنة‌الروم و فتح آن ولایت نیز پرداخته است در ادامه همین قسمت امامقلی میرزا به گزارش مختصری از احوال دولت روس پرداخته است. مطالعه این گزارش‌ها و مقایسه آن با مطالب مآثرالسلطانیه در این زمینه را آورده و همچنین با مقایسه آن با گزارش‌های تاریخی ذوالقرنین نشان می‌دهد که امامقلی میرزا در واقع این اطلاعات را از آن آثار گرفته و آنها را بر سبیل ایجاز آورده است.

روایت دیگر، امامقلی میرزا از نسب ایل قاجار، برگرفته از اکسیرالتواریخ است؛ علیقلی میرزا روایاتی درباره نسب قاجاریه آورده است که به موجب آن این طایفه ریشه ترکمن دارد و نخستین مسکن آنان هم ترکستان بوده است. مطابق همین گزارش نسل قاجاران به قراجارنویان پدر چهارم تیمور می‌رسد.<sup>۱</sup>

علیقلی میرزا و به پیروی از او امامقلی میرزا آورده است که قراجارنویان در روزگار چنگیز و منگوقاآن منسب امیرالامرایبی داشت و چون در میان ترکان متداول است که هر طایفه را به اسم بزرگ آن طایفه نام‌گذاری کنند، قاجارها ابتدا به قراجار و به دلیل کثرت استعمار به قاجار مشهور شدند<sup>۲</sup> امامقلی میرزا روایت دیگری درباره نسب قاجارها به پیروی از اکسیرالتواریخ آورده است که به موجب آن در نواحی ترکستان قصبه‌ای موسوم به ترکستان وجود داشت و قاجارها که پنج برادر بودند در این قریه سکونت داشتند. علیقلی میرزا به نقد نظر عبدالرزاق بیگ دنبلی پرداخته و نوشته این نظر که ریشه قاجاران به سرتاق نویان می‌رسد و این طایفه نام خود را از وی گرفته‌اند، نادرست است<sup>۳</sup> گویا امامقلی میرزا با این سخن موافق نبوده که این قسمت از گزارش اکسیرالتواریخ را نیاورده است.

سخن بعدی امامقلی میرزا درباره نسب قاجاران مطلبی است که او از جغرافیای جام جم نوشته شاهزاده فرهادمیرزا گرفته است. فرهاد میرزا نیز نوشته خود درباره نسب قاجاران را از رساله شمایل خاقان اخذ کرده است؛ در شمایل خاقان که مورد تأیید فتحعلی‌شاه نیز بوده است درباره اصل و منشاء ایل قاجار دو نظر وجود دارد. یکی این که قاجاران از احفاد چنگیزخان هستند یا با چنگیزخان هم طایفه بودند. امامقلی میرزا پس از آوردن این گزارش نوشته است که مسکن اولیه قاجارها در دوره صفوی گنجه بود و نخستین کسی

۱. امامقلی میرزا، همان، ص ۸.

۲. اکسیرالتواریخ، ص ۷.

۳. همان، ص ۸.



که از گنجه به استرآباد آمد، شاه قلی‌خان قاجار معاصر شاه سلیمان صفوی بود. فتحعلی‌خان جد سلاطین قاجار پسر همین شاه قلی‌خان است. امامقلی میرزا در ادامه این گزارش به نقل مفصل قسمت‌های زیادی از شمایل خاقان و ذکر فرزندان اغوزخان پرداخته و از شعبات و طوایف اغوز یاد کرده است. گزارش بسیار مفصل او گفتگویی است درباره قسمت‌هایی از تاریخ ترکمانان و نسب جهان شاه و مناسبات جنید و حیدر با او و معرفی ۷ اویماق قزلباش که عبارتند از:

اول: شاملو یعنی ایلات اطراف شام

دوم: تکه لو یعنی اهالی تکه ایلی که محل اقامت آنها را رومیان کرمان می‌گویند

سوم: قراملانو یعنی اهالی مملکت قرامان

چهارم: استاجلو

پنجم: افشار

ششم: ذوالقدر<sup>۱</sup>

امامقلی میرزا در لابه لای این گزارش کوشیده تا به خدمات برخی از امرای قاجار مانند نازنین بیگ، معاصر شاه اسماعیل صفوی، گوگجه سلطان معاصر شاه تهماسب صفوی و زیاد اوغلیها در دوره صفویه بپردازد. او که گاه دچار بی‌نظمی‌هایی می‌شود در خلال این گزارش‌ها گریزی نیز به قسمت‌هایی از تاریخ پیامبر(ص) در مکه و غلبه هولگو بر بغداد زده است.

او در همین قسمت به مناسبت اشاره به کشاکش روس‌ها با زیاد اوغلی‌ها و تذکر این نکته که بهمن میرزا داماد جوادخان زیاداوغلی به گزارشی بی‌ارتباط با موضوع اصلی درباره شرح حال بهمن میرزا و همسران و فرزندان وی پرداخته است. لازم به ذکر است که برخی از گزارش‌های او در بیان احوال بهمن میرزا و جنگ‌های قاجارهای گنجه با روس‌ها حاوی برخی مطالب تازه است که دیگر مورخان قاجاریه از آن در حد اشاره گذشته‌اند. در هنگام مطالعه تطبیقی نسب‌نامه با آثار شاهزادگان خواهیم گفت که امامقلی میرزا عمده اطلاعات خود درباره تبار قاجاریه را علاوه بر اکسیرالتواریخ، از شمایل خاقان اخذ کرده و در واقع بیشتر مطالبی که درباره نسب مغولی قاجاریه آورده است رونویسی و تلخیص یا رونویسی از شمایل خاقان است.<sup>۲</sup>

بخش بعدی نسب‌نامه امامقلی میرزا اطلاعاتی است که او درباره جنگ‌های ایران و روس آورده است. عنوان این قسمت از کتاب او عبارت است از:

۱. نسب‌نامه ایل قاجار، خطی، ص ۸.

۲. اعتمادالسلطنه متن شمایل خاقان را آورده است: ر.ک: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح دکتر محمداسماعیل رضوانی، تهران دنیای کتاب ۱۳۶۷، جلد سوم، ص ۱۳۷۱-۱۳۷۱.

## ذکر مقدمات شر و شور با فسوس دولت علیه ایران و مجادله دولت بهیه روس

امامقلی میرزا که در چندین جای کتاب خود از عبدالرزاق بیگ دنبلی با عنوان مورخ ادیب یاد کرده است و می‌نویسد که کتاب مآثر السلطانیه او در تخاقوی ثیل سنه ۱۲۴۱ هجری در سال ۳۰ سلطنت فتحعلیشاه در تبریز چاپ شده است و تقریباً بخش اعظم گزارش‌های این قسمت از نوشته خود را از مآثر السلطانیه رونویسی کرده و مواردی هم به خلاصه کردن آن پرداخته است.

نوشته او در مقدمه گفتگو از جنگ‌های ایران و روس گاهی رنگ تحلیل هم دارد؛ به عنوان نمونه او نوشته است که در دوره سلطنت کریم خان برای از میان برداشتن خودسری‌های خوانین مختلف به خصوص خوانین آذربایجان در همه جا تلاش زیادی نشد، اما چون نوبت سلطنت به قاجاریه رسید آنان این نوع خودرأیی را سزاوار شأن دولت خود ندانسته و سعی کردند تا دست اغلب آنان را از خودسری کوتاه کنند عمده این کار در زمان خاقان مغفور آقامحمدخان صورت پذیرفت. امامقلی میرزا بخشی از مشکلات ایران در جنگ‌های ایران و روسیه را به گردن خوانین به قول خود بی‌دین و بی غیرت و ظل عبودیت روسیه دانسته و نوشته است که آنان در راه مسلط کردن این کفره فجره به خانه و کاشانه خود نقش زیادی داشته‌اند. امامقلی میرزا که از سرزمین‌های قفقاز به نام ولایات شمالی آذربایجان یاد کرده پیش از نقل گزارش‌های دنبلی در باره جنگ‌های ایران و روس نوشته است که به دلیل همکاری خوانین ولایات شمالی بعد از ۳۰ سال زد و خورد به دولت روسیه واگذار شد.

امامقلی میرزا اضافه کرده است که پس از قتل ابراهیم خلیل خان جوانشیر قراباغی و زنان و فرزندان او به دست روس‌ها خوانین آن منطقه از خواب غفلت بیدار شده و با آه و حسرت ترک اوطان و املاک و عقار گفته حفظ جان خود را معتمد دانسته به خدمت نایب‌السلطنه آمدند.

عنوان بعدی ذکر مختصری از احوال دولت روس است. او در ذیل این عنوان به بیان قسمت‌های اولیه احوال دولت روس از مآثر السلطانیه اکتفا کرده و به شیوه تاریخ‌نویسی نامنظم و مختلط خود که به سبک گفتگوهای شفاهی و عوامانه نزدیک است، در ذیل احوال دولت روس به بیان گوشه‌هایی از زندگی حاجی میرزا آغاسی ایروانی و چگونگی تعیین شدن او به عنوان معلم فرزندان عباس میرزا توسط ولیعهد و میرزا عیسی فراهانی پرداخته است.

امامقلی میرزا نوشته است چون حاج میرزا آغاسی ابتدا لباس درویشی داشت، میرزا عیسی او را به منزل آورد لباس ملایی پوشاند و به عنوان معلم پسرش حاج میرزا موسی نیز تعیین کرد.<sup>۱</sup> امامقلی میرزا به دوره وزارت حاج میرزا آغاسی و خرید زمین‌های ورامین و ری و عباس آباد و قنبر آباد اشاره کرده است. اضافه کرده است که قریه‌های گروس و قراتاج که اکنون خالصه است همچنین محال ورامین ری و عباس آباد و قنبر آباد را حاج میرزا آغاسی از مادر امامقلی میرزا خریداری کرده و صیغه خرید هم نوشته شده وی می‌نویسد:

۱. امامقلی میرزا این مطلب را از تاریخ نو اثر جهانگیر میرزا آورده است. ر.ک: جهانگیر میرزا، تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال، تهران، علمی، ۱۳۲۷، ص ۱۳.

«ولی ابراز اخذ ثمن نشده قباله مزبور در دست وکیل مانده حاج محض ناخوشی شاهنشاه دین پناه، تعلق در دادن تنخواه می نمود که به ناگاه قضیه‌هایله فوت شاهی اتفاق افتاد. سلطان زمان به جوار رحمت ایزد منان خرامیده جناب حاج از حرکات ناشایست جماعت ماکوئی و ایروانی که در ایام وزارت او که نسبت به اهل عراق شده بود، مخوف گشته به بقعه مبارکه عبدالعظیم فرار کرده از آنجا به عتبات عالیات رفته، مرحوم شد و قریه مزبور را میرزا ابوالحسن نامی محض خبثات ذات جزو ملک آن مرحوم قلمداد کرده، میرزا تقی خان وزیر فراهانی ضبط کرده و در این‌واقع ده پانزده قریه به همین طور ضبط دیوان شد. از ما گذشت، از میرزای مزبور هم آن طور گذشت.»<sup>۱</sup>

امامقلی میرزا در ادامه بحث‌های قبلی و بدون آن که به بیان جنگ‌های مرحله اول ایران و روس بپردازد، عنوان مبحث بعدی کتاب خود را به جنگ‌های مرحله دوم ایران و روس اختصاص داده است. او که در این قسمت از بحث خود به گزارش پراکنده‌ای از چگونگی آغاز جنگ و پیروزی‌های عباس میرزا و سرداران او و برخی شاهزادگان مثل شیخ‌علی میرزا در نواحی گنجه پرداخته، مدعی است که در برخی از این حوادث حضور داشته و از نزدیک شاهد ماجرا بوده است با این حال مقایسه گزارش‌های مختصر و پراکنده او از حوادث سال ۴۱ نشان می‌دهد که امامقلی میرزا در بیان این حوادث نیز متأثرالسلطانیه را در پیش روی خود داشته و به نقل مطالب آن به شکل مختصر پرداخته است. امامقلی میرزا پس از آن به توصیف قلعه شوشی و جنگ گنجه پرداخته در این قسمت نیز هم از متأثرالسلطانیه نقل کرده است و هم سبک ادیبانه و منظم و دقت نظرهای تاریخ‌نویسی عبدالرزاق بیگ را ندیده گرفته و مطالب او را در قالب نثر ضعیف و عوامانه خود آورده است. بیان وقایع سال ۱۳۴۲ و شکست و شهادت امیرخان عباس میرزا و تصرف قلعه ایروان، جنگ عباس‌میرزا با سواره قزاق، سقوط قلعه عباس‌آباد و مراجعت فتحعلیشاه به تهران گزارش‌های بعدی امامقلی میرزا درباره جنگ‌های مرحله دوم ایران و روسیه است و سقوط تبریز نیز گزارش بعدی اوست.

امامقلی میرزا در شرح این قسمت از حوادث نیز به پراکنده‌گویی و آوردن گزارش‌های بریده بریده و ناقص پرداخته و هم از چگونگی حوادثی که منجر به امضای معاهده ترکمنچای شده سخن نگفته است اما برای آن که مراتب تأسف خود را از شکست ایران نشان دهد ضمن نقل حکایتی از میرزا رحیم خطیب اهری که منصب خطابت مناطق قزاقه داغ را داشته، در لابه لای آن از خیانت برخی خوانین و خدمات آنان به پالکونیک روسی سخن گفته است.

عناوین بعدی نسب‌نامه قاجاریه عبارت است از گزارش قتل گریبایدوف، نبرد شاهزادگان در عراق با یکدیگر و مأموریت عباس میرزا به انتظام امور یزد و کرمان و خراسان و سرانجام گزارش وقایع سال ۱۳۴۹ و درگذشت عباس میرزا تا فتحعلیشاه. تمامی این قسمت از گزارش امامقلی میرزا نیز تلخیص متأثرالسلطانیه با همان روش تغییر متن و تبدیل متن ادیبانه آن به نثری عوامانه است؛ گذشته از این تلخیص آن گزارشها باعث شده خواننده کتاب در صورتی که بخواهد آگاهی‌های خود را درباره حوادث سال‌های ۴۱ تا مرگ

۱. نسب‌نامه ایل قاجار، خطی، صص ۲۹۰-۲۹۱.

فتحعلیشاه از این کتاب دریافت کند، به شدت گرفتار ابهام و سرگردانی خواهد شد؛ زیرا امام‌قلی میرزا در واقع به جای تلخیص عالمانه و سنجیده و منظم گزارش‌های عبدالرزاق، به نوعی گزینش سلیقه‌ای و ناقص حوادث دست زده است.

### سبک ادبی امام‌قلی میرزا در تألیف نسب‌نامه ایل قاجار

تحولی که در زمینه شعر با پدید آمدن مکتب بازگشت شکل گرفت و بسیاری از شعرای دوره قاجار را هم تحت تأثیر قرار داد، تأثیر زیادی را در نثر و بالطبع در تاریخ‌نویسی پدید آورد. همین تأثیر باعث شد برخی از مورخان صدر دوره قاجار که با بزرگان مکتب بازگشت معاصر و هم‌سخن بودند، به تدریج در شیوه نگارش و تألیف آثار تاریخی از پیچیده‌نویسی و اغلاق به ساده‌نویسی روی آوردند. با این حال معنای این ساده‌نویسی با عوامانه‌نویسی و پدید آوردن متنی به دور از زیبایی‌های ادبی تفاوت دارد. مورخانی مانند عبدالرزاق دنبلی و خاوری شیرازی، نمایندگان ساده‌نویسی بودند ولی آثاری آفریدند که در عین سادگی و روانی برخوردار از استحکام ادبی بودند. در این آثار مانند آثار مغلق‌نویسانی همچون ساروی، در کنار روانی نثری با اصطلاحات، تعبیرات، کنایه‌ها و قالبی ادبی ادیبانه روبرو هستیم. ملاحظه آثار شاهزادگان قاجاری به روشنی نشان می‌دهد که آنان در نگارش کتاب‌های تاریخی خود از سبک ساده‌نویسی استفاده کرده‌اند، اما چون در این آثار با عبارات، جملات، اصطلاحات و تعبیرات ادبی مستحکم برخورد نمی‌کنیم. بنابراین می‌توانیم بگوییم که آثار آنان به دلیل آن که اینان هیچ یک، از دانش ادبی و توانایی نوشتاری برخوردار نبودند، آثاری است که در شکل نوشتاری به آثار عامیانه و سبک نوشتن عوامانه یا همان سبک محاوره‌ای نزدیک است و از اصول و قواعد متن روان اما مستحکم برخوردار نیست.

برای نشان دادن سبک نوشتاری عوامانه و دور از ارزش ادبی، این آثار ابتدا نمونه‌هایی از برخی نوشته‌های شاهزادگان قاجاری را می‌آوریم و سپس در کنار آن برای نشان دادن پیروی امام‌قلی میرزا از سبک ساده‌نویسی عوامانه و محاوره‌ای گوشه‌هایی از نثر او را ارائه می‌کنیم:

۱- تاریخ عضدی نوشته شاهزاده احمد میرزا یکی از نوشته‌های تاریخی و معاصر با تألیف نسب‌نامه ایل قاجار است در شرح حال زنان فتحعلی شاه و برخی خصایل آقامحمد خان و محمد شاه. شاهزاده مولف این اثر سراسر کتاب خویش را که در زمان ناصرالدین شاه در بمبئی چاپ سنگی شد، به صورتی آشکار با زبان محاوره و عوامانه نوشته است. قسمتی از نوشته او را که به ملک آرا پدر بزرگ و بدیع الزمان میرزا پدر امام‌قلی میرزا مربوط است، می‌آوریم تا زمینه تطبیق نثر نسب‌نامه با این نوشته فراهم شود:

«...یکی از دختران شاه‌رخ شاه را خود خاقان گرفتند. چند دخترش را هم به حسینقلی خان برادر خاقان و فضلی خان و سایر شاهزادگان دادند. یکی را هم به محمد قلی میرزای ملک آرا داده شده مادر سلطان بدیع الزمان میرزای صاحب اختیار حکمران استرآباد بود.»<sup>۱</sup>

۱. شاهزاده عضدالدوله سلطان احمد میرزا، تاریخ عضدی، توضیحات و اضافات دکتر عبدالحسین نوایی، تهران،

۲- نمونه دیگر از متن و نثر شاهزادگان قاجار در تاریخ‌نویسی را از محمود میرزا می‌آوریم. محمود میرزا گرچه از نثری بهتر از احمد میرزا برخوردار است، ولی نوشته او از نظر ادبی به هیچ روی با نثر مستحکم مورخان معاصر او قابل مقایسه نیست. نمونه نوشته او را هم از مطالبی انتخاب کرده‌ایم که در باره پدران امامقلی میرزا نوشته است:

« بهار عالم آرا جهان پیر را جوانی داد و خسرو روزگار عالم کهن را نشاط جاودانی بخشید. نوروز فیروز به سعادت و میمنت به سرکار ظل‌اللهی گذشت، میران بارگاه و ملتزم خدمات شهنشاه عالم پناه از مرسوم معلوم و خلعت‌های همایون معزز و مقتخر آمدند. لشکرهای اطراف را در اتمام کارهای طایفه اروس مخبر فرموده هر لشکری با سرداری از محل خود به التزام رکاب مشرف گردیدند فنا و نام ترکمان یموت از طایفه و ایل خودی کنار کشیده و به طایفه ارس به ترغیب و تطمیع پیوست که اگر چند کشتی مملو از سرباز از روی آب دریای خزر و اطراف مازندران و استرآباد به جلوه درآید سایر ایلات و احشامات ترکمانان را در مرافقت در خدمات دولت روس متفق خواهیم نمود. نظر به اظهار او چند فرزند کشتی تا به حوالی ساحل استرآباد مازندران آمدند و در ایلات یموت آثار ترمردی ظاهر شد. در آن اوقات شاهزاده محمدقلی میرزای ملک آرا در تهران ملتزم رکاب بودند. بدیع‌الزمان میرزای صاحب اختیار فرزند ارشد ملک آرا با هزار سوار جرار شبی ناگاه به طایفه بی‌سر شرانگیز ترکمانان مفسدت جو تاخت جمیع اموال آنها را به غارت و زنان آنها را به اسیری آورد، از قتل و غارت کوتاهی ننمود کشتیهای آماده آمده به روی آب پس از یأس از کار راه آمده را پیمودند و مراجعت کردند. مژده این فتوح در تهران به سمع مبارک در ماه شعبان رسید»<sup>۱</sup>

۳- اشاره شد که نادر میرزا برادر امامقلی میرزا مدعی بود که به خلاف برادرش اهل علم و در طلب دانش بوده است. نثر بسیار متفاوت او در تاریخ‌نویسی و برخوردار از نوشته وی از اساسی محکم‌تر از نثر سایر شاهزادگان به خصوص امامقلی میرزا، بر درستی این ادعا دلالت می‌کند. قسمتی از نوشته نادر میرزا را که مطالبی هم در باره تبار امامقلی میرزا نویسنده نسب‌نامه ایل قاجار دارد، نقل می‌کنیم:

«سپهبد پدرم را پدر، محمدقلی میرزا لقب داشت - فرزند دومین خاقان است. مادرم جهان سلطان دخت حسام‌السلطنه محمدتقی میرزا فرزند خاقان کبیر است... چون به هفت سالگی رسیدم به عادت دوده قاجار برای تطهیر من و برادرم که خردتر بود پدرم فرمان داد که شهر را به آئین‌ها بیارایند. به خاطر دارم که به میدان دارالماره درود گران قبهها و چوب بست‌ها همی کردند و تخته‌ها همی بستند. بهر چراغان و جای مشعبدان که از هر ناحیت به استرآباد آمده بودند. هنوز استادان در کار بودند که شاهنشاه به اسپهان جهان بدرود کرد. این خبر برسید و جهان شوریده. اسپهبد به ساری شد نزد پدر تا به کار خود نگرد.»<sup>۲</sup>

۴- عباس میرزا ملک آرا پسر دوم محمد شاه و برادر کوچک‌تر ناصرالدین شاه شرح حالی دارد از زندگی

بایک، ۱۳۵۵، ص ۸۱

۱. تاریخ صاحبقرانی، خطی کتابخانه ملی ایران، ص ۱۲۷.

۲. نادر میرزا، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تبریز، ستوده، ۱۳۷۳، ص ۳۷۹.

خود که به لحاظ تاریخ دوران ناصرالدین شاه حائز اهمیت است و همینطور متن و سبک آن چون به فاصله زمانی کمی از نسب‌نامه نگاشته شده است در خور تأمل است وی در آغاز کتاب خود می‌نویسد:

«الحمد لله و السلام علی عباده الذین اصطفوه بعد این مختصری است از سرگذشت این اقل عبادالله عباس میرزا خلف السطان محمد شاه قاجار تعمد الله برحمته به رشته تحریر کشیده شده.

مخفی نماند که در زمان طفولیت، محمد شاه مغفور کمال محبت را به من داشتند و در هر باب به همه اولاد خود ترجیح داده مرا مقدم می‌فرمودند و فوق‌الغایه تعلق داشتند و چون والده من از سایرین جدا بود و آن هم در نزد آن اعلیحضرت بر همه مقدم بود، این معنی باعث طغیان نائره حسد همه شده بود - علی‌الخصوص حسد والده اعلیحضرت ناصرالدین شاه که به علت هرزگیهای بسیار مطلقه شده بود...»<sup>۱</sup>

دقت در عباراتی که به عنوان نمونه از آثار شاهزادگان قاجار آوردم نشان می‌دهد که این شاهزادگان اگر چه در شیوه نگارش و نثر و سبک ادبی با هم کمی تفاوت دارند، اما هیچکدام از توانایی ادبی و قدرت نوشتن در حد ادیبان توانا و فصیح برخوردار نیستند بلکه قدرت نگارش و نثر مستحکم اکثر مورخان هم زمان خود را هم ندارند. امام‌قلی میرزا در میان این شاهزادگان رتبه بسیار پائین تری دارد؛ زیرا در سراسر کتاب خود چنانکه نمونه‌هایی از نکات ذیل را که مورخان صاحب نام در آثار خود رعایت کرده‌اند، هیچ‌گاه مورد توجه قرار ندادند زیرا قادر به پیروی از آن سبک به دلیل کمی دانش ادبی نبود در نوشته‌های شاهزادگان تاریخ‌نویس قاجاری به خصوص امام‌قلی میرزا حتی از حداقل استعارات و تشبیهات و تعابیر ادبی که در سراسر آثار مورخان قاجاری وجود دارد، از جمله موارد زیر به هیچ‌شکلی در نوشته‌های این شاهزادگان وجود ندارد:

۱- خطبه افتتاحیه که همواره به آیات، احادیث و عبارات حکمت آمیز متکی است و همین خطبه همواره محل ظهور و بروز تواناییهای ادبی و برخوردارگی یا عدم برخوردارگی نویسنده از ذوق و استعداد نویسندگی و علوم زمانه به خصوص علوم بلاغی و دینی و کلامی و فلسفی است. در آثار شاهزادگان نسب‌نامه نمونه‌ای از آن است، یا از اساس چنین خطبه افتتاحیه وجود ندارد یا آنکه از محتوایی بسیار ساده و دور از ظرافت ادبی برخوردار است. امام‌قلی میرزا خطبه افتتاحیه خود را فقط به نگارش دعایی محدود ساخته است:

« **حمداً کثیراً طیباً مبارکاً فیه توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و صلوات طیبه دایمه، علی خاتم الانبیا و سید اولیاء محمد و آله الاصفیاء و اصحابه النجباء و عترته البرده الاتقیاء، سیما ابن عمه امیرالمؤمنین و سیدالاصیاء**»<sup>۲</sup>

در حالی که مورخان دیگر نسبت به دیباچه کتاب خود و خطبه افتتاحیه آن از ذوق ادبی و معلومات دینی و علمی بیشتری برخوردار بوده‌اند و به آن توجه بیشتری نشان داده‌اند. برای نمونه محمد صادق مروزی (وقایع نگار) در جهان آرا خطبه افتتاحیه خود را اینگونه آغاز کرده است:

« نحمدک اللهم یا من لک الامر و لک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و نشکرک

۱. عباس میرزاملک آرا، شرح حال عباس میرزاملک آرا به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۶۱، ص ۴۳.

۲. نسب‌نامه ایل قاجار، خطی، ص ۱.

یا من لك العزه و منك الذله تعز من تشاء و تذلل من تشاء بيدك الخير انك على كل شى القدير ثم نصلی على من نصلی على من بعثه فى الاميين رسولا و جعلته للعالمين بشيرا و نذيرا و على آله و خليفته بنص مقاله و الحمد لله جعلنا ممن كان يتولاه و لم يجعلنا ممن اتخذ الهه هواه» حمد خداوندی را رواست که خاک تیره را مثبت لاله و گل گردانیدو هر برگی از آن را آیتی بر وحدت خالق کل، «و فى كل شى له آیه تدل على انه واحد» از قطره باران پدیدار سازد و از دل کوهساران نعمان آشکار. «الله خالق كل شى و هو الواحد القهار» بی‌واسطه نفسی را بر عالمی حکمرانی دهد و بی‌سابقه تنی بر جهانی رتبه جهانبانی.<sup>۱</sup>

۲- به کار بردن تشبیهات ادبی استعارات، کنایات و اصطلاحات فنی کلام به خصوص تعابیر نجومی و تشبیهات فلکی، همانند مورخان دوره‌های قبل، از مشخصات آثار مورخان قاجاری است. به عنوان نمونه: خاوری شیرازی در همین زمینه وقتی بر آن است تا از حلول سال نو و گرم شدن زمین پس از پایان فصل زمستان سخن بگوید زمستان و سردی آن را با تعبیر روسی نژادان دی یاد می‌کند و قصد دارد تا در قالب این تشبیه بیان کند که فصل زمستان رفت و بهار دل‌انگیز آمد. او برای نمونه در ذکر حلول سال نو نوشته است: «هنگامه آرای عرصه خاور، اعنی خورشید انور درین سال خجسته فر بعد از انقضای چهار ساعت و پنج دقیقه از روز دوشنبه هفتم شهر ربیع الاول سنه یکهزارو دویست و بیست و نه مطابق ایت ائیل ترکی از ساحت حوت به خاور زمین حمل، نقل نمود. به محض طلوع طلیعه رایت خویش جنود نامعدود کواکب را به وادی عدم دلالت فرمود. باز سفیران گل‌های شکوفه بنای آمد و رفت در تختگاه چمن نهادند و ترکان تنگ چشم عنادل به سبب طغیان شحنه خار به غارت دارالمرز گلشن دست برگشادند. زمان دشمنی دی به سرآمد و دیده امیران بهمن و اسپند به حکم خسرو و فروردین از نشتر سبزه به درآمد...»<sup>۲</sup>

خاوری شیرازی در ابتدای تاریخ ذوالقرنین از تشبیهات و استعارات و اصطلاحات نجومی بدین گونه استفاده کرده است:

«ذاتش را اگر شریکی است، همان ذات اوست و صفاتش را اگر نظیری است، همان صفات او. در قله قاف الوهیتش عنقای و هم معدود است و بحر ربوبیتش غواص اندیشه نامعلوم. کره سموات تسعه از ریاض جهان میوه ای است و ساحات ارضی سبعة از صحن سرای کمالش کریوه. نواله از خوان نوالش نعمت دو جهان است و قراضه ای از کان جمالش طلعت مهر افزون...»<sup>۳</sup>

عبدالرزاق مفتون دنبلی نیز در دیباچه کتاب خود (مأثر السلطانیه) سخن را اینگونه آغاز می‌کند:

«طغرای غرای ثنایی از عطر طره دلارای او عرصه خاک، شمیم گل و عنبر گیرد و عنوان بدیع بیان ستایشی که از فروغ جواهر رصیعش گردن و گوش فلک زینت دیگر گیرد. به نام نامی پادشاهی موشح و مزین است که به اقتضای حکمت بالغه، در کارخانه صنع لاریب، از مشتى خاک پیکر آدم پاک آفرید و پس

۱. مروزی - محمد صادق وقایع نگار، تاریخ جهان‌آرا، خطی، تهران، کتابخانه ملی، ص ۱.

۲. تاریخ ذوالقرنین، جلد اول، ص ۶۹.

۳. همان، ص ۳.

از چهل صباح تخمیر و تشریف یداللهی و شایب رحمت بر آن تربت پاک لیلای روح را که جوهریست مجرد از تطرق حوادث و سنخ سوانح در کالبد هیولایی او رخصت جلوه فرمایی و جهان‌آرایی بخشید...»<sup>۱</sup> ملاحظه آثار تاریخی شاهزادگان قاجار و از جمله آنان امامقلی میرزا، گواه روشنی است بر اینکه آنان به دلیل کمی آگاهی از دانش فلکی و نجومی و بی بهره بودن از ذوق ادبی در آثار خود هرگز از این شیوه سود جستند. به عنوان نمونه قسمتهایی از نسب‌نامه ایل قاجار را نقل می‌کنیم تا زمینه مقایسه فراهم شود.

امام قلی میرزا دیباچه سخن را با عبارات عوامانه و به دور از زیبایی ادبی چنین آغاز کرده است: «چنین گوید بنده خاکسار امامقلی قاجار که مورخین ایران را در اصل ایل جلیل اصیل اویماق قاجار اختلافت و بطوری مهمل و بی ربط نوشته اند که اکثر دانشمندان روزگار از حسب و نسب این بزرگان باخبرند و عامه و خاصه چنان دانند که قاجاریه در ازمنه جدیده از استرآباد مازندران طلوع کرده اند...»<sup>۲</sup>

نمونه‌ای دیگر از همین نثر عوامانه او را می‌توان در عبارات زیر ملاحظه کرد. «چند دفعه طوایف قزلباش بطرف اردبیل هجوم آور شد. این دفعه ساعیان به میرزا جهان شاه گفتند که روز به روز جمعیت این مرد زیاد می‌شود و اگر بخواهد حرکتی کند هزار سوار جرار فدوی با اسلحه تمام در رکاب او حاضر و آماده اند ایوم...»<sup>۳</sup>

تفاوت سبک تاریخ‌نویسی عوامانه امام‌قلی میرزا را با مقایسه قسمت‌هایی از نوشته او که به طور مستقیم به نقل آثار دیگران مانند عبدالرزاق دنبلی یا شمایل خاقان پرداخته است می‌توان دریافت. این قسمت از نوشته‌های او یا به تعبیر درست تر نوشته‌های دیگران که توسط او نقل شده است، از قدرت و استحکام ادبی کامل برخوردار است؛ اما هرچا که او نقل قول‌ها یا نثر دیگران را رها می‌کند و با قلم و زبان خویش به ادامه سخن می‌پردازد، نثر عوامانه وی به خوبی خود را نشان می‌دهد. مطلب امامقلی میرزا آن را از مورخان قاجاری اخذ کرده، به نثر ضعیف زیر بدل شده است:

«نایب‌السلطنه در بهار این سال به عزم تأدیب رضاقلی‌خان که اعظم خوانین خراسان بود، در حرکت آمده، در بین راه معلوم شد، الله‌قلی‌توره والی خیوق که خوارزمشاه می‌توان تعبیر نموده به تحریک خراسانیه آمده، در مرو و سرخس به دامنه اصرر کوه اردو زده، منتظر حرکات اهالی اسلام است. لهذا نایب‌السلطنه شاه عباس غازی را با جمعی مأمور فرموده که در مقابل او اردو زده، به شرایط ولوازم حزم پردازد و خود به طرف امیرآباد رانده، سواران خراسانیه را با قراولان سواره سپاه در اول مرحله زدو خوردی شده، سواره خراسانی تاب توقف نیاورده در قلعه امیرآباد محصور گردیدند و این قلعه موسوم به امیرآباد در ده فرسنگی مشهدرضاع) و با قاعده هندسی در مدت هشت سال به قاعده قلاع فرنگ باخندق و خاکریز و با سیتون ساخته شده و یوسف خان نام تاتار را با دو هزار نفر تفنگچی و هزار سوار و قورخانه و جباخانه در آن قلعه مستعد گذارده، نایب‌السلطنه امر به یورش فرموده، در روز روشن به قلعه یورش آوردند با وجودی که عدد

۱. عبدالرزاق مفتون دنبلی، مآثرالسلطنیه، تصحیح و دکتر غلامحسین زرگری نژاد، تهران مؤسسه انتشارات روزنامه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۷.

۲. نسب‌نامه، خطی، صص ۱-۲.

۳. همان، ص ۷۷.



افواج زیاد از هشت هزار نفر نبود و توپ و خمپاره زیاد از پنجاه عراده حاضر نه به جنگ پرداخته خراسانیه آثار شجاعت به ظهور آورده امیر توپخانه و چند نفر معلم فرنگی مقتول شدند و در این روز معزالدوله بهرام میرزا شجاعت و جوهر فطری را بروز داده، با شمشیر آخته به یورش پرداخته بعد از سعی وافر و قتل متکثر اهل قلعه امان آورده، سربازان قلعه را متصرف شدند و این فتح زیاد از هفته طول نکشید، و کان ذالک فی شهر صفر سنه ۱۲۴۸<sup>۱</sup>»

### مقایسه نسب‌نامه ایل قاجار با آثار شاهزادگان قاجار

قبل از نگاهی تطبیقی به نوشته امام‌قلی میرزا درباره نسب ایل قاجار و سایر گزارش‌ها و اخباری که او در کتاب خویش آورده، ابتدا لازم است تا به معرفی عمده‌ترین آثار تاریخ‌نویسی شاهزادگان قاجار بپردازیم این آثار عمده عبارتند از:

- ۱- تاریخ عضدی، نوشته شاهزاده احمد میرزا عضدالدوله پسر فتحعلی شاه.
  - ۲- تاریخ صاحبقرانی، اثر شاهزاده محمود میرزا، پسر فتحعلی شاه.
  - ۳- مرآت محمدی، تألیف شاهزاده محمود میرزا، پسر فتحعلی شاه.
  - ۴- سفینه المحمود، تألیف و تدوین محمود میرزا قاجار پسر فتحعلی شاه.<sup>۲</sup>
  - ۵- تاریخ نو نوشته شاهزاده جهانگیر میرزا، پسر فتحعلی شاه.
  - ۶- اکسیر التواریخ، نوشته شاهزاده علیقلی میرزا، پسر فتحعلی شاه.
  - ۷- سفرنامه رضاقلی میرزا نایب‌الایاله، نوه فتحعلی شاه و پسر حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس.<sup>۳</sup>
  - ۸- تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، شاهزاده نادر میرزا نبیره فتحعلی شاه و پسر بدیع‌الزمان میرزا.
  - ۹- جغرافیای جام جم نوشته شاهزاده فرهاد میرزا معتمدالدوله پسر عباس میرزا ولیعهد.<sup>۴</sup>
  - ۱۰- منشآت، گردآوری شاهزاده فرهاد میرزا معتمدالدوله پسر عباس میرزا ولیعهد.<sup>۵</sup>
- از تفاوت سبک ادبی و نوشتاری این آثار شاهزادگان با نسب‌نامه سخن گفتیم. در این قسمت با وجود تفاوت موضوعات برخی از به مقایسه این آثار با نوشته امام‌قلی میرزا از به رغم آنها با نسب‌نامه از سه منظر نگاه می‌پردازیم:

۱. همان، خطی، ص ۳۵۹.

۲. این اثر تذکره‌ای حاوی اطلاعات تاریخی فراوان است.

۳. شاهزادگان قاجار سفرنامه‌های زیادی نوشته‌اند که چون نوشته‌هایی در زمینه تاریخ رسمی نیستند، در این مطالعه به بررسی آنها نپرداخته ایم. سفرنامه نایب‌الایاله را به این دلیل ذکر می‌کنیم که قسمتی از آن تاریخ حوادث سال آخر زندگی فتحعلی شاه و وقایع جلوس محمد شاه را در بر دارد.

۴. این کتاب نیز گرچه عنوان جغرافیا دارد، اما اطلاعات تاریخی زیادی هم دارد. امام‌قلی میرزا در نوشتن نسب‌نامه از این کتاب حتی در گزارش نسب قاجاریه استفاده کرده است. ماخذ فرهاد میرزا در بیان نسب قاجاریه نیز شمایل خاقان است.

۵. این کتاب هم که ظاهر ادبی دارد، مملو از اطلاعات تاریخی مربوط به دوره فتحعلی شاه.

## ۱- روش و سبک تاریخ‌نویسی: شاهزادگان قاجار غیر از نادر میرزا و علیقلی میرزا، به نوشتن تاریخ

سلسله‌ای یا شرح حال و حوادث دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه توجه داشته و از توجه به انواع و اشکال تاریخ‌نویسی مانند عمومی، محلی یا اقتصادی و اجتماعی خودداری کرده‌اند. اگرچه تاریخ عضدی از جهاتی می‌تواند تاریخی اجتماعی در نظر گرفته شود؛ ولی در واقع اساس و محور آن فتحعلی‌شاه است نه زنان حرم او. نسب‌نامه ایل قاجار نیز با اینکه مدعی نگارش نسب قاجاریه است، ولی چنانکه از توجه به فهرست موضوعی آن که در ابتدا آوردیم معلوم می‌شود، در واقع نگارش گوشه‌هایی از تاریخ سلطنت فتحعلی‌شاه است که در مقدمه آن به طور مفصل گزارش‌های دیگر منابع از جمله شمایل خاقان و مآثر سلطانیه درباره نسب ایل قاجار نقل شده و سپس در صفحات بعدی آن گزارش‌هایی از روزگار این پادشاه قاجار و ترکیبی پراکنده از رخداد‌های دوره دومین شاه قاجار و عباس میرزا و قسمت‌هایی از مرحله دوم جنگ‌های ایران و روسیه آمده است. بنابراین با توجه به اینکه امام‌قلی میرزا به خلاف نوشته‌اش در آغاز کتاب تنها به نوشتن نسب‌نامه اکتفا نکرده و مقدار کمی از اطلاعات پراکنده را هم ارائه کرده است نمی‌توان اثر او را در قالب تاریخ‌نویسی سلسله‌ای یا محلی یا نظامی و غیره قرار داد. اگر چه اکسیرالتواریخ و تاریخ صاحبقرانی و تاریخ محمدی نیز از رونویسی آثار تاریخی به وجود آمده‌اند ولی از نظم در تاریخ‌نویسی برخوردارند، اما نسب‌نامه امام‌قلی با وجود رونویس بودن بسیاری از گزارش‌های آن به واقع باید تاریخ زندگی فتحعلی‌شاه شمرده شود. رونویسی امام‌قلی میرزا از شمایل خاقان و مآثر سلطانیه در حالی است که خودش ادعا کرده که قصد نوشتن کتابی برای روشن کردن ریشه ایل قاجار را داشته است:

«چنین گوید بنده خاکسار امام‌قلی قاجار که مورخین ایران راه در اصل ایل جلیل اویماق قاجار اختلافست و به طوری مهمل و بی‌ربط نوشته‌اند که اکثر دانشمندان روزگار از حسب و نسب این بزرگان بی‌خبرند و عامه و خاصه، چنان دانند که قاجاریه در این ازمنه جدید از استرآباد مازندران طلوع کرده‌اند و در سوابق ازمنه در سایر بلاد ایران اسمی و رسمی نداشته‌اند، چه اکثر مورخین ملتفت به مآثر و زحمات بزرگان قاجار نشده‌اند. و ما بعون‌الله در کمال راستی، وقایع محتربات و جان سپاری آن فوراس (دلیران) معارک (آوردگاه) را فردا فردا بیاوریم که بر خوانندگان واضح شود که این مردم چه رنجه‌ها در راه دین و دولت برده‌اند تا دین مبین امامیه را در ایران به عهد پادشاهان صفوی نژاد در این مملکت پادار نموده‌اند»<sup>۱</sup>.

## ۲- منابع گردآوری اطلاعات: مورخان و وقایع‌نگاران مشهور دوره فتحعلی‌شاه اغلب در دستگاه

دیوان و رسایل خدمت می‌کردند و به همین دلیل از نزدیک از بسیاری از وقایع و اخبار آگاهی داشتند. به همین دلیل بیشتر وقایعی که در نوشته‌های تاریخی خود آورده‌اند، دست اول بوده، چرا که یا حاصل مشاهده مستقیم آنان است و یا از افرادی اخذ کرده‌اند که بدون واسطه خود شاهد وقایع بودند. این امکان برای شاهزادگان فراهم نبود، البته محمود میرزا که از نزدیک امکان آگاهی مستقیم از برخی اخبار را داشت استثنا می‌باشد. سایر شاهزادگان از چنین امکانی برخوردار نبودند؛ به خصوص امام‌قلی میرزا که در اواخر

۱. نسب‌نامه ایل قاجار، خطی، صص ۱-۲.

دوره فتحعلی شاه به دنیا آمد و در تمام زندگی به دلیل شرکت پدرش در توطئه شاهزادگان علیه محمد شاه مغضوب و زندانی و تبعیدی بود؛ نمی‌توانست به اطلاعات مستقیم نسبت به آن چه در نسب‌نامه آورده دسترسی داشته باشد. به همین دلیل هم علاوه بر اینکه تمام گزارش خود درباره نسب و تبار قاجاریه را از شمایل خاقان و دنبلی گرفته است؛ سایر مطالب تاریخی مربوط به دوره کودکی خود را هم ناگزیر از دیگران اخذ کرده است. البته نکته بارزش آن است که امام‌قلی میرزا مأخذ بیشتر نوشته‌هایش را کتمان نمی‌کند و به صراحت از اینکه در تدوین نسب‌نامه از مآثرسلطانیه، شمایل خاقان، اکسیرالتواریخ و جام جم و سایر آثار استفاده کرده است، سخن می‌گوید.

### ۳- دیدگاه تاریخ‌نگارانه امام قلی میرزا و شاهزادگان تاریخ‌نویس:

اغلب مورخان ایرانی و مانند آنان تاریخ‌نویسان عصر قاجار، تحولات و وقایع تاریخی را همواره با تقدیر آسمانی و قضای الهی تفسیر کرده‌اند. علاوه بر حوادثی ویرانگر مانند زلزله یا بروز وبا و طاعون، هرگاه حادثه‌ای ناگوار مانند شکست در جنگ برای پادشاهان اتفاق می‌افتاد، اعتقاد آنان این بود که این رخدادها تلخ مشیت الهی است و باید تسلیم شد. آن شاهزادگان قاجار هم در تفسیر حوادث تلخ تاریخی و بلاای بزرگ، از این فکر ریشه‌دار پیروی کرده‌اند؛ به عنوان نمونه علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه مرگ زودرس عباس میرزا را تقدیر خداوند شمرده و نوشته است که:

«چون حضرت سبحانی در ولایت خلقت، خلعت عمر جاودانی به هیچ کس ارزانی نداشت و احدی از آحاد ناس، علم به قادرین دار دنیا نیفراشت»<sup>۱</sup>

امام‌قلی میرزا همانگونه که در تاریخ‌نویسی صاحب سبک و ابتکار نبود و بیشتر به دوباره‌نویسی گزارش‌های مورخان دیگر می‌پرداخت، در اندیشه تاریخ‌نگاری نیز در همین مسیر قدم برداشته و همانند تمام مورخان، حوادث تاریخی را ناشی از مشیت الهی می‌داند و برای این عقیده به آیات قرآنی متوسل می‌شود. از جمله در هنگام ماجرای قتل گریبایدوف نوشته است که:

«چون نایب‌السلطنه الفافا در مدت العمر برحسب خواست خداوند بی‌زوال بایست به زحمت و مرارت باید زیست نمایند. در آن اوقات که فی‌الجمله از نزاع و جدال آسوده شده بودند، از حرکت بعضی جهال این نوع غایله برپا شده و برحسب اتفاقات میرحسن خان طالشی که سیدی شیر خو بود، این خبر را شنیده مسرعاً بطرف طالش رانده روسیه را اخراج نموده، حضرت والا خسرو میرزا را با محمدخان امیرنظام و جمعی دیگر مثل میرزا سعیدخان وزیر دول خارجه که الان در قید حیات است و میرزاتقی که بعد صدراعظم شد و آن وقت‌ها نوکر قایم مقام بود، به روسیه فرستاده.»<sup>۲</sup>

یا به هنگام گزارش سرکشی خوانین قفقاز که همین امر به عقیده امام‌قلی میرزا یکی از دلایل موفقیت

۱. اکسیرالتواریخ، ص ۳۹۳.

۲. نسب‌نامه ایل قاجار، ص ۳۴۴-۳۴۵.

روس‌ها در جنگ بود، این سرکشی‌ها را به اراده و خواست خداوند مربوط می‌کند و در سر فصل سخن خود می‌نویسد:

« ذکر مقدمات شر و شور بافسوس دولت علیه ایران و مجادله با دولت بهیته روس<sup>۱</sup> «اذا اراد الله شيئاً هياًاسبأه»<sup>۲</sup>»

### جایگاه نسب‌نامه ایل قاجار در تاریخ نویسی عصر قاجار

امام‌قلی میرزا نسب‌نامه ایل قاجار را چنانکه قبلاً ذکر کردیم در حدود سال ۱۲۹۷ قمری نگاشته و مسوده آن را به تدریج به کاتب سپرده است. عصرناصری چنان که می‌دانیم عصر نگارش آثار متعدد تاریخی است. نوشته‌های رضاقلی خان هدایت، محمدتقی خان سپهر، اعتمادالسلطنه و افضل‌الملک در این دوره نوشته شده‌اند. کتاب امام‌قلی میرزا در مقایسه با این آثار بسیار کم‌فروغ و خالی از ارزش تاریخی است. امام‌قلی میرزا، خود به استفاده از روضه‌الصفای ناسخ‌التواریخ یا فارسنامه ناصری و یا تاریخ منتظم ناصری اشاره‌ای نمی‌کند اما معلوم است که او به این آثار که در همان زمان به چاپ سنگی رسیده بودند، دسترسی داشته و از آنها استفاده کرده است. تنها اثری که وی به استفاده از آنها اشاره می‌کند و متعلق به دوره ناصری است: یکی تحفه ناصریه و دیگری اکسیرالتواریخ است. به نظر می‌رسد که امام‌قلی میرزا در نقل اطلاعات نسب قاجاریه، از شمایل خاقان که در تاریخ منتظم ناصری نقل شده است، سود برده است. به هر حال آنچه می‌توان از مقایسه اثر امام‌قلی میرزا با آثار تاریخی زمانه‌اش گفت، این که چه از حیث تاریخ نویسی و چه از حیث ادبی و نظم کلام و گفتار هرگز به پای آثار تاریخی تمام دوران قاجار از آغاز تا دوره ناصری نمی‌رسد و در مقایسه با آنها اثری حاشیه‌ای و فرعی به شمار می‌رود.

وی ادعا دارد که می‌خواهد تاریخ نسب ایل قاجار را چنان بنگارد که شوکت و بزرگی و همچنین زحمات ایل قاجار در تاریخ ایران بر همگان آشکار گردد. اما متأسفانه این ادعایی بیش نیست و او نوشته‌ای متمایز از سایر مورخان ننوشته است. شاید بتوان گفت تنها اهمیت نوشته وی درباره نسب ایل قاجار اعتقاد او به سرچشمه نسبی ایل قاجار است که آنها را از طایفه چنگیزخان و مسکن اولیه آنها را قراقروم و سپس شامات دانسته است. بخش بعدی نسب‌نامه ایل قاجار صرف‌نظر از برخی اطلاعات پراکنده درباره حاجی میرزا آغاسی، ابراهیم خلیل خان جوانشیر گزارشی از وقایع تاریخ قاجاریه در فاصله سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۵۰ قمری یعنی ۹ سال آخر سلطنت فتحعلی شاه است.

مقایسه و مطالعه تطبیقی این قسمت از نوشته امام‌قلی میرزا نیز نشان می‌دهد که او در انزوای تبریز واقعاً قصد تاریخ‌نویسی دقیق و نوشتن اثری متفاوت از آثار دیگران و یا افزودن اطلاعات تازه‌ای به تاریخ نویسی قاجار نداشته است؛ به همین دلیل داده‌های تاریخی او در این قسمت نامنظم و گسسته و گاه عاری از دقت

۱. نسب‌نامه ص ۲۶۸.

۲. هرگاه خداوند چیزی را اراده کند، اسباب آن را مهیا می‌کند. بنگرید: نسب‌نامه ایل قاجار، خطی، ص ۲۶۹.

است. معلوم نیست این شاهزاده قاجاری که اثر خود را به قصد نوشتن نسب ایل قاجار تنظیم کرده، چرا در بخش دوم به نوشتن قسمت‌هایی از تاریخ سال‌های آخر زندگی فتح‌علی‌شاه پرداخته که البته همان قسمت را نیز به شکل ناقص نگاشته است. امام‌قلی میرزا در این قسمت از کتاب خود باز سبکی محاوره‌ای و دور از ارزش‌های ادبی به کار می‌گیرد. در این قسمت از اثر او که غالب آن برگرفته از آثار دیگران به خصوص اکسیرالتواریخ نوشته علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه است به هیچ روی با اطلاعات تازه روبرو نیستیم بنابراین نمی‌توان گفت که امام‌قلی میرزا در این قسمت از نوشته خود گره‌ای از تاریخ‌نویسی دوره فتح‌علیشاه گشوده و سخن تازه‌ای که در آثار دیگران نتوان یافت، آورده است. امام‌قلی میرزا حوادث تاریخی را موضوعی و براساس سالشماری آورده است.

### نتیجه:

امام‌قلی میرزا با اشاره به اینکه برخی گمان می‌کنند که خاندان قاجار تنها ایل کوچکی بوده است که در ناحیه استرآباد ساکن بوده‌اند سعی در متصل کردن خاندان قاجار به چنگیز و سپس به تیمور دارد و از این طریق چنین اهدافی را دنبال می‌کند:

(۱) کسب مشروعیت سیاسی برای خاندان قاجار؛

(۲) بزرگ‌نمایی پیشینه آنها؛

(۳) پاسخ به شبهه‌هایی که احتمالاً در عهد ناصری در خصوص ایل قاجار و پیشینه آن ایجاد شده بود. در دوره ناصری که جامعه از اندیشه‌های روشنگری تأثیر پذیرفته بود، قاعدتاً مشروعیت معنوی شاه جایی نزد روشنفکران نداشت زیرا دیگر شاه نمی‌توانست در اذهان روشنفکران آشنا با فرهنگ غرب حکم همان شاهی باشد که متفکران دوره‌های قبل داشتند. از طرفی کسب مشروعیت سیاسی از طریق متصل ساختن خود به شاهان ایران باستان نیز با روشن شدن تاریخ ایران باستان دیگر امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین با توجه به خاستگاه ایلی قاجار بهترین راه، اتصال به چنگیز خان و تیمور بود. امام‌قلی میرزا به تقلید از تاریخ‌نویسان گذشته به آیات و احادیث استناد جسته است اما اثرش به لحاظ ادبی هم چندان در خور توجه نیست.

منابع اطلاعاتی امام‌قلی میرزا حاصل گزارش آثار تاریخی موجود بوده است که وی با اندکی دستکاری (گرته‌برداری) آن را در قالب کتابی گرد آورده است. و در آخر اینکه اعتقاد امام‌قلی میرزا به مهمل بودن نوشته‌های مورخان سلف، موجب شد تا به نگارش اثری بپردازد تا بزرگی و عظمت خاندان قاجار قبل از به دست گرفتن حکومت را نمایان سازد در حالی که به رغم ادعای خود وی بخش اعظم اطلاعات خود را از همان مورخان اخذ کرده و یا عیناً نقل کرده است.

با اینکه چنانکه اشاره شد نسب‌نامه و غالب گزارش‌های آن از نسب‌شناسی گرفته تا وقایع تاریخی، رونویسی است و در مطالعات قاجارشناسی چیزی تازه‌ای به پژوهشگر نمی‌دهد، اما شاید بتوان گفت که برخی اظهارات او در باره برخی نوشته‌ها و گزارش‌های دیگر مفید و قابل استفاده است. یک نمونه از این نوع مباحث سخنی است که او در نقد یکی از گزارش‌های جهانگیر میرزا درباره شاهزادگانی که علیه محمدشاه

طغیان کردند و جهانگیر میرزا هم در این زمینه متهم بود، نوشته و متذکر شده است که: «اگرچه نواب جهانگیر میرزا در تاریخی که خودشان زحمت کشیده در ایام بیکاری در ملایر اوقات می‌گذرانیده‌اند، حالات آن اوقات را نوشته‌اند. نسبت لشکرکشی و خیانت و نکث عهد به مرحوم محمد تقی میرزای حسام السلطنه؛ نسبتها از روی تهمت به مرحوم شیخ‌علی میرزا و حشمت‌الدوله و سایر داده‌اند، ولی «اشهداله و ملائکت» که این بنده بی بضاعت که در تبریز بوده، شبها و اغلب روزها جمع شده صحبت می‌کردند، مکرر مسموم گردید که بعد از اینکه خاقان پروبجر منصب ولیعهد را به شخص سلطان زمان موکول فرمودند، همه قبول نموده و متعهد خدمت شد. بی‌خبر از کید اعدای به طهران آمده، به خدمت سلطان تشریف جست. نهایت چشم امید داشتم که مثل عهدخاقان ولایت و محل حکومت قدیمه به خودمان محول شود»<sup>۱</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نسب‌نامه ایل قاجار، خطی، صص ۳۷۹-۳۸۰.